

«اخلاق زناشویی» در شاهنامه فردوسی و

بررسی ریشه‌های آن در متون کهن

محمد نوید بازرگان^۱

مریم خادم ازغدی^۲



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۲

چکیده

در این مقاله که به موضوع «اخلاق زناشویی در شاهنامه‌ی فردوسی و متون پیش از آن» پرداخته شده، کوشش گردیده است با آوردن شواهدی از اوستا، متون میانه و نیز شاهنامه و نقل قول برخی صاحب‌نظران در این باره، میزان تأکید این متون بر مقولات اخلاقی نظیر سازگاری، راست‌منشی، مهرورزی، نیک رفتاری، وفاداری، تعهد، رعایت احترام متقابل، پاکدامنی، پرهیزگاری، بی‌ریایی و... در زندگی زناشویی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلید واژه: شاهنامه. پیمان زناشویی. اخلاق زناشویی. اخلاق زن. اخلاق مرد، اخلاق زناشویی

در ایران باستان.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی-دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی، رودهن، ایران، m.khadem470@yahoo.com

مقدمه

هنگام مطالعه‌ی متون پهلوی، با سفارش‌های فراوان و انواع و اقسام تحریض‌ها و تشویق‌ها نسبت به زن و شوهر روبرو می‌شویم که در همه‌ی آنها، رعایت اخلاق و رفتار شایسته در زندگی زناشویی مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت این مبحث، چنان است که در همان قدم نخست آغاز زندگی مشترک، یعنی بستن پیمان زناشویی، به این مهم پرداخته شده و به طور صریح و آشکار تأکید شده است که زوجین باید احترام و شأن را نسبت به یکدیگر حفظ کرده و در تمام امور زندگی مشترک، رفتاری چنان شایسته داشته باشند که طرف مقابل، رنجیده و آزرده خاطر نگردد؛ زیرا در غیر این صورت به تدریج، ناچار به عمل - به مثل می‌گردد و بدین گونه پایه‌های زندگی مشترک آنها سست شده و از هم پاشیده می‌شود و از سویی دیگر، این سوء رفتار از نظر دینی نیز گناهی نابخشودنی است.

رعایت اخلاق زن و مرد، مهم‌ترین اصل پیمان زناشویی:

در «پیمان کدخدایی» - که در شمار اسناد ازدواج و متنی بازمانده از دوران کهن ایران، به ویژه فرهنگ مزدایی است - در این باره، آمده:

«(۵) و بهمان (دختر) هم او را پذیرفت، این گونه که بهمان این را نیز بپذیرد که در ازای زندگی از (موازین) همسری و یگانگی (در زناشویی) و فرمان برداری و رعایت احترام نسبت به بهمان، (و نیز) از فروتنی و بهدینی (= اعتقاد به دین مزدیسنا) نگرمد (= روی بر نتابم).

(۶) و نیز بهمان این را گفت که: در ازای زندگی، (بهمان دختر را) به زنی (= در زناشویی) گرامی، به - کدبانویی، استوار، و به خورش، جامه و خواب و پوشاک و شوی وری سالاری (= مراتب همسری زن در برابر شوی) دارای اختیار و در (گذشت)

زمانه به تناسب (او را) خوب (و) به آزرَم دارم...» (جاماسب آسانا، ۱۷۳، ۱۳۷۱ و ۱۷۴) بدین ترتیب، نو عروس، در هنگام بستن پیمان زناشویی، عهد می‌کند که: «بی گمان من او را که برای همکاران و خویشاوندان، به پدری و سروری گمارده شده است، بر خواهم گزید و بدو مهر خواهم ورزید. [باشد که] در زندگانی، فروغ «منش نیک»، بر من بتابد و اَشَوْنَ^۱ زنی باشم در میان اَشَوْنَان و «مزدا اهوره»، همواره [آموزش‌های] دین نیک را به من ارزانی دارد.» (اوستا، ۴، ۸۶، ۱۳۸۷)

همچنین در کتاب «صد در بندهش»، درباره‌ی لزوم تعهد مرد نسبت به پیمان زناشویی، این گونه آمده:

«(۱۶) و چون کسی زنی بخواهد و دست پیمان کند، بعد از آن نشاید که آن پیمان بشکند. (۱۷) هر وقت که آن زن را بدان معنی، غمی به دل رسد، او را گناه باشد، بادفراه به روان رسد و مهر دُرَج خوانند.» (دابار، ۱۹۰۹، ۱۰۲، باب ۳۴)

در قباله‌ی نکاحی هم که از دوره یزدگرد سوم به یادگار باقی مانده، شوهر، عهد می‌بندد که در حق زنش تا روزی که هر دو زنده‌اند، به احترام و تکریم تمام، [گرامیک gramik] رفتار کند. مرد می‌بایست نگهدار و پشتیبان و غمخوار زنش باشد، می‌بایست به زنش، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک بیاموزد و درس اخلاق و مذهب راستین به او بدهد؛ زیرا مرد، در پیشگاه خدا، مسؤول زن است. (مظاهری، ۱۱۴، ۱۳۷۳)

کریستن سن نیز این مسؤولیت را مورد تأیید قرار می‌دهد:

«پس از عقد ازدواج، اجر اعمال خیر زن، متوجه شوهرش می‌شود.» (کریستن سن، ۳۲۶، ۱۳۸۴)

از دیگر متون ارزشمند گذشته که به مقوله‌ی اخلاق زناشویی، توجه ویژه دارد، «ارداویراف نامه» است. به طوری که ۱۶ فرگرد از ۱۰۱ فرگرد آن، درباره خانواده،

همان گونه که ملاحظه می‌شود تأکید کلی متون گذشته در مبحث اخلاق زناشویی بر این است که زن و شوهر می‌بایست یکدل و یکروی باشند و با وصلت و وحدتی به طور یقین قرین اخلاق، زندگی کنند.

اصول اخلاقی «زن» در شاهنامه فردوسی و ایران باستان:

شاهنامه به عنوان اثری عمیق که آینه‌ای از اندیشه‌های کهن و فرهنگ ملی ایرانیان است، آموزه‌هایی زیبا از وفاداری و پایداری زن را به نمایش می‌گذارد:

- واکنش منیژه، دختر افراسیاب (دشمن بزرگ ایران و پادشاه توران) - که بیژن، شاهزاده‌ی جوان ایرانی را به شوهری برگزیده است - در مقابل پدر که این پهلوان را برای طولانی کردن دردها و رنج‌هایش، زنده زنده، در زیر سنگ به بند می‌اندازد، آن است که تاج و تخت و جواهرات و اقوام و آبروی خود را در راه عشق به او، نادیده می‌گیرد و حتی محض خاطر وی به گدایی می‌رود. آن گاه که گرسیوز به دستور افراسیاب:

همه گنج او را به تاراج داد	ازین بدره بستد، بدان تاج داد
منیژه بیامد به یک چادر	برهنه دو پای و گشاده سرا
کشیدش دوان تا بدان چاهسار	دو دیده پر از خون و رخ جویبار
بدو گفت: اینک ترا خان و مان	زواری بدین بسته تا جاودان
غریوان همی گشت بر گرد دشت	چویک روز و یک شب برو برگذشت
بیامد خروشان به نزدیک چاه	یکی دست را اندرو کرد راه
چون از کوه خورشید سر برزدی	منیژه به هر در همی نان چدی
همی گرد کردی به روز دراز	به سوراخ چاه آوریدی فراز
به بیژن سپردی و بگریستی	بدین شور بختی همی زیستی

(فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۳۵، ب ۴۰۰-۴۰۸)

چو سوداوه، پوشیدگان را بدید
 به تن، جامه‌ی خسروی بر درید
 به مشکین کمند اندر آویخت چنگ
 به فندق دو گل را به خون داد رنگ
 ...فرستادگان را سگان کرد نام
 سمن کرد پر خون از آن ننگ و نام
 (فردوسی، همانجا، صص ۷۸ و ۷۹، ب ۱۶۶-۱۷۴)

پس از کشته شدن سیاوش، فرنگیس به آواز بلند، پدر را نفرین می‌کند و چندان وی را می‌نکوهد که شاه توران به قتل وی فرمان می‌دهد:

سرِ ماه رویان، گسسته کمند
 خراشیده روی و بمانده نژند
 به آواز بر جان افراسیاب
 بنفرید با نرگس و گل پر آب
 خروشش به نزد سپهد رسید
 چو آن ناله‌ی زار و نفرین شنید
 به گرسیوز بد نهان، شاه گفت
 که این را به کوی آورید از نهفت
 ز پرده به درگه بریدش کشان
 بر روزبانان و مردم کشان
 بدان تا بگیرند موی سرش
 بدزند بر تن، همه چادرش
 زنندش همی چوب تا تخم کین
 بریزد برین بوم از ایران زمین
 نخواهم ز بیخ سیاوش درخت
 نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت
 (همانجا، ص ۳۵۹، ب ۲۲۹۹-۲۳۰۶)

اگر چه در شاهنامه بر این مسأله، بسیار تأکید می‌شود، اما در بعضی متون، از جمله «ویس و رامین»، توجه به این موضوع، بسیار کم‌رنگ است؛ زیرا همان گونه که دکتر مزدپور درباره‌ی این منظومه می‌گوید:

«نه دایه‌ی جادوگر ویس - که در پدید آمدن رابطه‌ی عاشق و معشوق دخالت دارد - نه ویس و نه شهر، هیچ کدام، پابند قواعد اخلاقی مانوس ما و یا حتی رسم تک شوهری نیستند؛ چرا که اخلاق جنسی موصوف در «ویس و رامین»، به جای ارزش نهادن بر عفت و وفاداری، «عشق» را عزت - می‌نهد.» (مزدپور، همان، ۱۱۹)

می‌بینیم. به عنوان مثال، در نامه‌های خسرو پرویز می‌خوانیم:

بهترین زن، آن است که پیوسته در اندیشه عشق و محبت به مرد باشد. (کریستن

سن، همان، ۴۹۶)

آذرگشسب در تفسیر «زن پارسا» از نظرگاه خرده اوستا می‌گوید:

در این کتاب مقدس، به زن پارسایی درود فرستاده شده که در اندیشه و گفتار و کردار، راست و پاک بوده؛ از راه علم و دانش، احترامی بدست آورده و نسبت به شوهر، صمیمی و فداکار باشد. (آذرگشسب، ۱۳۴۵، ۴)

همچنین در یسنه، هات ۵۳، بند سه از قول زرتشت خطاب به دخترش، با این

تأکید روبرو می‌شویم:

«و توای پُوروچیستای هچتسپی سپیتمانی! ای جوان‌ترین دختر زرتشت! مزدا، آن کس را که به «منش نیک» و «آشه» (راستی و پارسایی)، سخت باور است، به انبازی [زندگی] به تو می‌بخشد.» (اوستا، همان، ۳، ۸۵)

اصول اخلاقی «مرد» در شاهنامه فردوسی و متون کهن:

به طور مسلم، مرد نیز در مقابل زن، تکالیفی به عهده دارد. می‌بایست زنش را دوست بدارد، گرامی و ارجمند انگارد و نیکوترین احساساتی را که می‌توان در حق همسر داشت، نسبت به وی ابراز نماید.

نمونه‌ی این گونه برخورد در حماسه فردوسی، مهرباب است که با سی - دخت (سیندخت)، همسر سرشار از هوش و فراست خود، رفتاری همراه با اکرام و التفات دارد. (فردوسی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶، ب ۳۳۷؛ همانجا، ص ۲۱۵، ب ۷۶۱-۷۶۳؛ همانجا، ص ۲۱۸، ب ۸۰۵؛ همانجا، ص ۲۱۹، ب ۸۱۶ و ۸۱۹-۸۲۴)

در خرده اوستا نیز آمده: «جوان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و آشون پاک،

ردِ پاکی را می‌ستاییم.» (اوستا، همان، ۸، ۶۲۳)

بدین ترتیب، رعایت همه جانبه‌ی اخلاق و رفتار نیک و شایسته در زندگی زناشویی، هم در شاهنامه و هم در متون پیش از آن، مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و اگر چه بیشترین تمرکز در شاهنامه و این متون، بر اخلاق «زن» در زندگی زناشویی است؛ اما در عین حال، زن و مرد، هر دو، ملزم به رعایت اصول اخلاقیِ مدوّنی در زندگی مشترک هستند.



فهرست منابع

۱. آذر گشسب، اردشیر، ۱۳۴۵، آیین زناشویی زرتشتیان، [تهران]، کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز.
۲. ارداویراف نامه، یا، بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی، ۱۳۷۲، شامل پیشگفتار، ترجمه‌ی فارسی، متن پهلوی، واژه نامه از رحیم عفیفی، تهران، انتشارات طوس.
۳. اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ۱۳۸۷، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید.
۴. بویس، مری، ۱۳۷۶، تاریخ کیش زرتشت، ج ۱، ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، تهران، نشر توس.
۵. پیرنیا (مشیر الدوله سابق)، حسن، ۱۳۶۶، ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
۶. جاماسب آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی، ۱۳۷۱، متون پهلوی، ترجمه، آوانوشت و گزارش سعید عریان، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. دابار، بهمن جی نوسروانجی، ۱۹۰۹، صد در نثر صد در بندهش، بمبئی، [بی تا].
۸. شاهرخ، کیخسرو، ۱۳۳۷، آیین مزدیسنا، [بی جا]، [بی تا].
۹. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران، انتشارات دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. کاتراک ام، هیرید جمشید کاووس، ۱۳۴۲، زناشویی در ایران باستان، ترجمه موبد رستم شهزادی، تهران، انتشارات انجمن زرتشتیان تهران.
۱۱. کریستن سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
۱۲. مزداپور، کتایون، ۱۳۵۴، «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه»، مجله فرهنگ و زندگی، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی